

نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه شهید مطهری

حمیدرضا منیری حمزه کلایی*

تأیید: ۱۴۰۴/۲/۶

دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۴

چکیده

حوزه‌های علمیه در منظومه فکری استاد شهید مطهری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحقق بخش امنیت فرهنگی هستند. با وجود ارتباط وثیق بین امنیت فرهنگی و حوزه‌های علمیه، این پژوهش به بررسی نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه استاد شهید مطهری می‌پردازد. برای این منظور، در این نوشتار تلاش شد با تبیین مشتقات امنیت و مؤلفه‌های کلان امنیت در اندیشه استاد شهید و از طریق روش تحلیل سیستمی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و راهبردهای استفاده از نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی بررسی شود و سپس پیامدهای تحقق امنیت فرهنگی توسط حوزه‌های علمیه تبیین گردد. بر این اساس، شرایط علی نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی، تلاش برای رفع تهدید در حوزه‌های باورها، گرایش‌های اخلاقی و رفتارها است؛ شرایط زمینه‌ای نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی، تشکیل و سازماندهی گروه‌های ایده‌پرداز (گفتمان‌ساز) امنیت فرهنگی است؛ راهبرد استحکام امنیت فرهنگی به واسطه نقش حوزه‌های علمیه، تحول در نقشه جامع حوزه‌های علمیه در امنیت فرهنگی است و در نهایت، پیامد استحکام امنیت فرهنگی به واسطه نقش حوزه‌های علمیه، تحقق عملی جامعیت دین و حرکت به سوی انسان کامل است.

واژگان کلیدی

حوزه‌های علمیه، امنیت فرهنگی، دیدگاه‌های شهید مطهری

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه مازندران:

h.moniri@umz.ac.ir

مقدمه

امنیت که از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی اجتماعی بشر می‌باشد، جهت تحقق یافتن، نیازمند مؤلفه‌های علی، زمینه‌ای راهبردی است و همچنین در صورت تحقق امنیت، پیامدهای بسیاری دارد. امنیت فرهنگی موجب می‌شود فرد و یا جامعه، احساس خطر یا تهدیدات در حوزه فرهنگی نداشته باشد. به عبارت دیگر، شخص در جامعه از حیث باورها، اخلاق، آداب، رسوم و دیگر عاداتی که متناسب یک جامعه اسلامی است، در معرض تهدید قرار نمی‌گیرد (میرعرب و سجادی، ۱۳۷۹، ش ۹، ص ۱۳۴).

در اندیشه شهید مطهری به عنوان یک اندیشمند و صاحب نظر در این حوزه، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های امنیت، امنیت فرهنگی می‌باشد. در این راستا ایشان ساحت‌های اصلی امنیت فرهنگی را «اعتقادی»، «اخلاقی» و «فقهی» می‌دانند؛ زیرا آموزه‌های اسلامی به مثابه فرهنگ اسلامی در سه بخش ذیل خلاصه می‌شود: الف) اصول عقاید و شناخت؛ ب) اخلاق و پ) احکام (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۳۳). از سوی دیگر، شهید مطهری یکی از ارکان استحکام امنیت فرهنگی را حوزه‌های علمیه^۱ می‌دانند؛ زیرا این نهاد، مسؤول بنیادین و اصلی پاسدار ایمان جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام از دیدگاه مذهب شیعه و تعلیم و تبلیغ آن‌ها و عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی مردم مسلمان می‌باشد (همان، ج ۲۴، ص ۲۷۹). بنابراین، از منظر ایشان حوزه‌ها پاسداران شریعت و نگهبانان دیانت و مبین حلال و حرام آن و دستگاه مولد فکری نظام اسلامی می‌باشند (اربطیان، ۱۳۸۵، ش ۱۰۳، ص ۱۷).

در اندیشه شهید مطهری از اهم چالش‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه اسلامی تا قبل از آمدن منجی آخرالزمان که دوره امنیت کامل است، وجود تهدیدهای امنیتی در همه حوزه‌ها خصوصاً حوزه فرهنگ است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۶۱) که در صورت تعلل افراد و نهادهای مرتبط به فرهنگ همانند حوزه‌های علمیه شاهد پیامدهای فرهنگی ناگواری در جامعه خواهیم بود.

از ضرورت‌های مورد نظر پژوهش حاضر، بررسی و شناخت تهدیدها در بخش

فکر اسلام

سال سی‌ام / شماره اول / پیاپی ۱۱۵



۱۶۸

فرهنگی و نقش حوزه‌های علمیه در ازبین بردن این تهدیدها می‌باشد؛ چراکه مهم‌ترین مؤلفه امنیت در جامعه اسلامی، امنیت فرهنگی است.

هدف پژوهش

با توجه به مطلب بیان‌شده، هدف اصلی این پژوهش بررسی مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی با محوریت نقش حوزه‌های علمیه در اندیشه استاد شهید مطهری است.

سؤال پژوهش

بر اساس اندیشه شهید مطهری شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و راهبردهای استفاده از نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی چیست؟ و این‌که پیامدهای تحقق امنیت فرهنگی به وسیله حوزه‌های علمیه چه مواردی می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

موضوع پژوهش حاضر «مؤلفه‌های امنیت فرهنگی» است که دو قید حوزه‌های علمیه و اندیشه شهید مطهری به آن الحاق شده است. بنابراین، آثاری که به این موضوع بپردازند، پیشینه پژوهش به شمار می‌روند. برخی از محققان در رابطه با موضوع مورد مطالعه، به صورت منفک یا بعضاً با هم، در سایر مجلات علمی، آثاری را به چاپ رسانده‌اند که در محورهای ذیل بررسی می‌گردد:

در محور اول، نویسندگانی تلاش کردند تا صرفاً شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مفهوم امنیت یا امنیت فرهنگی را بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با حوزه‌های علمیه بررسی نمایند. مزینانی (مزینانی، ۱۳۹۳، ش ۱۰، ص ۱۴۴-۱۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «مرجع‌شناسی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ساختار و اهداف نظام جمهوری اسلامی را با تکیه بر وجه نرم‌افزاری امنیت بررسی نموده است. مطلبی و حیدری (مطلبی و حیدری، ۱۳۹۸، ش ۴۴، ص ۹۶-۷۱) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌پژوهی امنیت فرهنگی

در جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر منظومه فکری آیه‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مهم‌ترین راهبرد برقراری امنیت فرهنگی را در نظام جمهوری اسلامی بالارفتن آگاهی، شناخت و بصیرت دینی، گسترش و نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند.

در محور دوم، نویسندگانی تلاش کردند نقش حوزه‌های علمیه را در اموری همانند الگوی پیشرفت (نه تحقق امنیت و یا امنیت فرهنگی) بررسی نمایند. الویری (الویری، ۱۳۹۱، ش ۱، ص ۹۰-۶۹) در مقاله‌ای با عنوان «چیستی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن»، سعی نمود با نگاهی واقع‌گرایانه به سرمایه‌ها و شرایط کنونی حوزه‌های علمیه، به چگونگی نقش حوزه‌های علمیه در تدوین الگوی پیشرفت بپردازد.

در محور سوم، نویسندگانی تلاش کردند مؤلفه‌های امنیت را در دیدگاه شهید مطهری بدون اشاره به ارتباط آن با حوزه‌های علمیه بررسی نمایند. لکزایی (لکزایی، ۱۳۹۶، ش ۱۶، ص ۳۴-۷) در مقاله‌ای با عنوان «راه‌های تحصیل امنیت در اندیشه استاد مطهری»، ضمن تبیین نقدهای شهید مطهری به مکاتب امنیتی دنیاگرایانه و غیر دینی، سازوکارهای نرم و سخت تأمین امنیت را در اندیشه ایشان بررسی نمود.

بنابراین، با بررسی‌های به‌عمل‌آمده بر روی پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه می‌توان گفت، تاکنون اثر علمی‌ای که با بهره‌گرفتن از رویکرد سیستمی که مؤلفه‌های امنیت فرهنگی با محوریت نقش حوزه‌های علمیه در اندیشه شهید مطهری را بررسی علمی نماید، دیده نشده است، ازاین‌رو، این پژوهش در صدد است به این مهم بپردازد.

ملاحظات نظری پژوهش

جهت بررسی مؤلفه‌های استحکام امنیت فرهنگی به واسطه حوزه‌های علمیه، باید شقوق و مشتقات امنیت از منظر شهید مطهری تبیین شود. ایشان به شقوق امنیت همانند امنیت جانی، مالی، حیثیتی، فکری و غیره اشاره می‌کنند، ولی مهم‌ترین شقوق

امنیت از منظر ایشان امنیت عمومی، امنیت سیاسی و امنیت فرهنگی است (همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۵).

شفوق امنیت از منظر شهید مطهری

امنیت عمومی؛ یعنی افراد جامعه از افرادِ ظالم، مفسد، مجرمان و بزهکاران در امان باشند که البته این امر با تحقق عدالت اجتماعی، تعهد، قانون‌مداری و نظم عمومی به‌جود می‌آید. به عنوان نمونه در زندگی قبیله‌ای، امنیت اجتماعی و امنیت گروهی که مربوط به عموم قبایل بود، وجود نداشت؛ زیرا هر از چندگاهی قبیله‌ای به قبیله دیگر شلیخون می‌زد و همه چیز دستخوش غارت می‌گردید (همو، ۱۳۷۲، ج ۱۹، ص ۴۰۷).

امنیت سیاسی؛ یعنی افراد جامعه از استبداد، دیکتاتوری، وابستگی و استعمار در امان باشند که این امر با مشارکت سیاسی، مردم‌سالاری، استقلال و آزادی به‌جود می‌آید. استاد مطهری فقدان امنیت سیاسی را با عنوان بردگی در سطح کشورها یاد می‌کند؛ زیرا استقلال سیاسی وجود ندارد. لذا ایشان قائل است همان‌طور که در باره یک فرد مسأله استقلال مطرح است، در باره جامعه و کشور به طریق اولی مطرح است. مسأله بردگی و ارباب رعیتی، امروز به شکل قدیم مطرح نیست که کسی بیاید رسماً خودش را به عنوان مالک و فرد دیگری را به عنوان مملوک بنامد، اما در کشورها به شدت چنین چیزی مطرح است (همان، ج ۲۴، ص ۲۳۸).

امنیت فرهنگی؛ تعریف فرهنگ لغات از امنیت؛ یعنی در معرض خطرنبودن یا از خطر محافظت‌شدن. به عبارت دیگر، امنیت؛ یعنی رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت؛ خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه می‌باشد. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند (میرعرب و سجادی، ۱۳۷۹، ش ۹، ص ۱۳۴). به

طور کلی عناصر اصلی که تقریباً در تمام تعاریف امنیت مشاهده می‌گردد، ارزش‌ها، خطرات یا تهدیدهاست (همان).

از سوی دیگر، فرهنگ، مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها، هنر اخلاق، حقوق آداب و رسوم و دیگر توانایی‌ها یا عاداتی است که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند (کوش، ۱۳۹۷، ص ۲۷). لذا مراد از امنیت فرهنگی این است که فرد و یا جامعه، احساس خطر یا تهدیدات در حوزه فرهنگی نداشته باشد. به عبارت دیگر، شخص در جامعه از حیث باورها، اخلاق، آداب، رسوم و دیگر عاداتی که متناسب یک جامعه اسلامی است، در معرض تهدید نباشد و یا حداقل در آن جامعه با حاکمیت ایمان و علم این احساس نگرانی در حال از بین رفتن باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۲).

مؤلفه‌های کلی امنیت

در منظومه فکری شهید مطهری، شقوق مختلف امنیت، مؤلفه‌هایی دارد که تبیین آن مؤلفه‌ها، در مسیر بررسی نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی تأثیرگذار هستند. مؤلفه‌های کلی امنیت از منظر شهید مطهری عبارتند از:

الف) نسبی بودن امنیت فرهنگی؛ در منظومه فکری شهید مطهری وجود امنیت عمومی و سیاسی، لزوماً نافع نیست؛ زیرا برخی از افراد یا ملت‌ها در هنگام امنیت و رفاه، به عیاشی و تن‌پروری می‌افتند، در نتیجه در پرتگاه خواری و ذلت سقوط می‌کنند و بسیاری دیگر از ملت‌ها با شلّاق بدبختی و گرسنگی به جنبش در می‌آیند و به آقایی و عزّت می‌رسند. بنابراین، می‌توان گفت امنیت عمومی و سیاسی، مانند نعمت و بلا نسبی است (همان، ج ۱، ص ۱۸۴). اما امنیت فرهنگی لزوماً نافع است؛ زیرا امنیت فرهنگی، موجب تقویت و یا ثبات باورها، اخلاق، آداب، رسوم و دیگر عاداتی که متناسب یک جامعه اسلامی است، می‌باشد (همان، ج ۲، ص ۳۲). از سوی دیگر، دستیابی به امنیت فرهنگی مطلق غیر ممکن است؛ زیرا قدرت که موجد و محصل امنیت می‌باشد، متغیر و نسبی است. از این رو، امنیت فرهنگی هم نسبی است. بنابراین، با نوسان قدرت و وجود تهدیدات بالفعل و بالقوه، امنیت متغیر می‌شود. حال اگر

حوزه‌های علمیه را به‌عنوان نهاد قدرت که موجد امنیت فرهنگی است، قلمداد کنیم، می‌توان این نتیجه را گرفت که هر چقدر میزان کارکرد مثبت حوزه‌های علمیه در زمینه فرهنگ بیش‌تر شود، به همان میزان تحقق امنیت فرهنگی بیش‌تر می‌شود.

ب) امنیت درونی و بیرونی؛ در منظومه فکری استاد شهید، امنیت از یک منظر درونی و از یک منظر بیرونی است. امنیت بیرونی به‌واسطه علوم به‌وجود می‌آید و امنیت درونی به‌واسطه ایمان. ایشان معتقد است؛ هم علم و هم ایمان به انسان نیرو می‌دهد، اما علم نیروی منفصل می‌دهد و ایمان نیروی متصل. هم علم زیبایی است و هم ایمان، اما علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح، علم زیبایی اندیشه است و ایمان زیبایی احساس می‌باشد. ایشان در این زمینه می‌گویند؛ هم علم به انسان امنیت می‌بخشد و هم ایمان. علم امنیت بیرونی می‌دهد و ایمان امنیت درونی. علم در مقابل هجوم بیماری‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها، طوفان‌ها ایمنی می‌دهد و ایمان در مقابل اضطراب‌ها، تنهایی‌ها، احساس بی‌پناهی‌ها، پوچ‌انگاری‌ها، علم جهان را با انسان سازگار می‌کند و ایمان انسان را با خودش (همان). با فهم این نکته، مشخص می‌شود مراد شهید مطهری از تحقق امنیت فرهنگی، در صورت بهره‌گرفتن توأمان حوزه‌های علمیه از کارکردهای علم (به‌عنوان مؤلفه تحقق بخش امنیت بیرونی) و ایمان (به‌عنوان مؤلفه تحقق بخش امنیت درونی) می‌باشد؛ چراکه تحقق امنیت فرهنگی در صورت تحقق علم و ایمان محقق می‌شود (همان).

پ) باور به موقتی‌بودن ناامنی؛ یکی از مؤلفه‌های امنیت از منظر ایشان، باور به ایجاد امنیت کامل توسط مستضعفان جهان به رهبری منجی آخرالزمان است. در این راستا استاد شهید معتقد است از امتیازات اساسی معتقدات اسلامی و بالأخص شیعه این است که دوره ظلم و ستم، دوره جنگ و دعوا، دوره اختلاف، دوره فساد اخلاق و دوره سیاهی و ظلمت، یک دوره موقت است و عاقبت، نورانیت و عدالت است. لذا آینده بشریت در همین دنیا نیکی و رخت بر بستن ظلم و آمدن عدالت است؛ و اگر انسان در درجه اول در قرآن کریم تأمل کند، می‌بیند قرآن این مطلب را تأیید و تأکید می‌کند، نوید به آینده می‌دهد و آینده دنیا را روشن می‌بیند. آیات زیادی به این امر اشاره دارد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (همان، ج ۱۸، ص ۱۵۳). وعده می‌دهد به اهل ایمان و مردمی که عمل‌شان صالح و شایسته است که عاقبت دنیا به دست این‌هاست، آن که در نهایت امر بر دنیا حکومت می‌کند، دین الهی و معنویت و لا اله الا الله است، مادی‌گری‌ها و ماده‌پرستی‌ها و خودخواهی‌ها از بین خواهد رفت، عاقبت دنیا امنیت است: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» عاقبت دنیا توحید است، به تمام مراتب خود (همان).

بنابراین، بر اساس اندیشه شهید مطهری با درک موقتی بودن ناامنی و تحقق امنیت در همین دنیا یأس و ناامیدی از تحقق امنیت فرهنگی زایل می‌شود، از این‌رو، می‌توان امیدوارانه به نقش نهادهای فرهنگی هم‌چون حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی دل بست.

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به این‌که تحلیل سیستمی، شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل مختلف یک مجموعه و سیستم و دستیابی به نحوه عملکرد عوامل شکل‌دهنده مجموعه و سیستم و بررسی ارتباط اجزای مجموعه؛ به جهت دست یافتن به ملاکاتی جهت تحقق مطلوب‌تر یک مجموعه می‌باشد (جهت تبیین بیش‌تر ر.ک: فیرحی، ۱۳۸۲)، محقق در پژوهش حاضر همانند برخی از محققین در بهره‌گرفتن از روش تحلیل سیستمی به عنوان چارچوب نظری (لک‌زایی، ۱۳۸۹، ش ۲۳، ص ۸۰) بر آن است تا مؤلفه‌های استحکام امنیت فرهنگی به وسیله حوزه‌های علمیه در اندیشه شهید مطهری به مثابه یک مجموعه‌ای که از اجزا و مؤلفه‌های مختلف تشکیل شده است را تحلیل نماید. از این‌رو، در این پژوهش شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و راهبردهای استفاده از ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های استحکام امنیت فرهنگی بررسی می‌گردد و سپس پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های امنیت فرهنگی تبیین می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی است؛ زیرا نتایج این پژوهش می‌تواند در تبیین راهبردهای بنیادین برای مجموعه نهادهای تصمیم‌گیر در امر تمدن‌سازی مفید واقع شود. روش‌های گردآوری داده‌های این پژوهش، به صورت کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی می‌باشد. بر این اساس، تمامی آثار علمی شهید مطهری بررسی و جست‌وجو می‌شود. روش‌شناسی مورد استفاده در این مقاله، روش‌شناسی کیفی است. شیوه‌ای از پژوهش، کیفی است که در آن با شیوه‌های غیر کمی و غیر آماری و با استناد به منظومه فکری اندیشمند یا اندیشمندانی، نظریه یا الگویی تکوین یابد (استراس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۷). برای این مهم از روش مفهوم‌شناسی و روش تفسیر متن به متن به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است (مرتضوی شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۷، ش ۱۰۵، ص ۱۱۵). در این پژوهش مفهوم‌شناسی عبارت است از شناخت مفاهیم مورد استفاده در آثار علمی شهید مطهری و پیدا کردن یک زمینه ذهنی نسبت به مسأله مطرح شده و روش تفسیر متن به متن به این معناست که برای شناخت مفاهیم، پیش از مراجعه به سایر منابع، از تفسیر متن به متن در ایشان برای تبیین مباحث موجود استفاده شد. پس از تبیین مفاهیم موضوع در آثار علمی ایشان، در صورت لزوم به بررسی و تطبیق این یافته‌ها با مفاهیم متناظر در متون و منابع دینی، گفتمان انقلاب اسلامی، قول بزرگان یا تحلیل و تبیین‌های پژوهش‌گران از آثار ایشان نیز پرداخته شد.

یافته‌های پژوهش

شهید مطهری با نقل جمله‌ای از نهج البلاغه: «دار بالبلاء محفوفة و بالغدر معروفة، لا تدوم احوالها و لا تسلم نزالها ... العیش فیها مذموم و الامان منها معدوم و انما اهلها فیها اغراض مستهدفة ترمیهم بسهامها و تغنیهم بحمامها» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴) قائل است دنیا محفوف به شدائد و سختی‌ها است، امنیت همیشگی وجود ندارد، عیش و خوشی و لذتی که هست، عیش و خوشی و لذت واقعی نیست و انسان‌ها در دنیا در حکم نشانه‌هایی هستند که از اطراف تیرهای بلایا به سوی آن‌ها پرتاب می‌شود (مطهری،

۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵۶)، اما نهایتاً ایشان با استناد به آیه کریمه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (انبیاء (۲۱): ۱۰۵)، (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۶۱) معتقد است به تمام مؤمنین وعده داده شده که پس از یک دوره بیم و ناامنی، امنیت کامل محقق خواهد شد. اما بحث در این است تا قبل از آمدن منجی آخرالزمان که دوره امنیت کامل است، از منظر ایشان تهدیدهای امنیتی در همه حوزه‌ها خصوصاً در حوزه فرهنگ وجود دارد، از این‌رو، با بررسی و شناخت این تهدیدها می‌توان به سوی از بین بردن این تهدیدها حرکت نمود.

شرایط علی مؤلفه‌های استحکام امنیت فرهنگی به‌وسیله حوزه‌های علمیه

شرایط علی (causal conditions)، مقوله‌هایی هستند که بر مقوله‌محوری تاثیرگذار می‌باشند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ش ۲، ص ۸۴). به عبارت دیگر، منظور از شرایط علی، عوامل و شرایطی هستند که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در بروز یک پدیده یا رویداد خاص نقش دارند و باعث ایجاد، شکل‌گیری یا تغییر در آن می‌شوند. این شرایط، اغلب شامل عواملی هستند که علت‌ها و دلایل پشت یک پدیده را توضیح می‌دهند و به پژوهشگر کمک می‌کنند تا بهتر بفهمد که چرا و چگونه یک اتفاق، محقق می‌شود.

تبیین شرایط علی استحکام امنیت فرهنگی از منظر استاد شهید با دو مقدمه ذیل می‌باشد:

مقدمه اول؛ شهید مطهری معتقد است مقررات اسلامی در سه بخش خلاصه می‌شود: بخش اول، اصول عقاید و شناخت است که لازم است در این بخش انسان از راه عقل، ایمان و اعتقاد تزلزل‌ناپذیر داشته باشد. بخش دوم، دستورهای اخلاقی است که وظیفه انسان را از نظر فضایل و رذایل اخلاقی بیان می‌کند. بخش سوم، بخش احکام است که مربوط به اعمال و رفتار خارجی انسان است. از منظر ایشان این سه بخش از یکدیگر مجزا هستند. بخش عقاید مربوط به عقل و فکر است، بخش اخلاق مربوط به

نفس و ملکات و عادات نفسانی است و بخش احکام مربوط به اعضا و جوارح و رفتار است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۳۳).

مقدمه دوم؛ به طور کلی تهدیدهای حوزه امنیت فرهنگی در حوزه باورها، حوزه گرایش‌های اخلاقی و حوزه رفتارها می‌باشد^۲ (لکزایی، ۱۳۹۳، ش ۵، ص ۱۶).^۳ نتیجه؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت شرایط علی استحکام امنیت فرهنگی به وسیله حوزه‌های علمیه در صورت رفع تهدیدها در حوزه باورها، گرایش‌های اخلاقی و رفتارها می‌باشد. لذا لازم است به صورت مبسوط تهدیدهای مذکور در منظومه فکری ایشان تبیین شود:

رفع تهدید مرتبط به حوزه باورها

بر اساس مطلب پیش گفته یک بخش از تهدیدهای امنیت فرهنگی، حوزه باورها است. مراد از حوزه باورها، سطح قلبی - اعتقادی، فلسفی و کلامی انسان است که از آن با عنوان حوزه باورها تعبیر می‌شود (لکزایی، ۱۳۹۴، ش ۲۶، ص ۲۵). بنابراین، یکی از شرایط علی استحکام امنیت فرهنگی، رفع تهدیدهای مرتبط به حوزه باورها است. از منظر استاد شهید، با تحقق ایمان به نهان و ایمان به مدهای غیبی، تهدیدات مرتبط به حوزه باورها رفع می‌شود. زیرا با تحقق ایمان واقعی، مدها برای شخص به مقیاس شخصی، برای اجتماع کوچک به مقیاس اجتماعی و برای جهان بشریت به مقیاس جهانی هویدا خواهد شد و حکومت واحد جهانی که مشحون از عدالت، امنیت، برکت، رفاه، آسایش، خوبی و سراسر ترقی، شکل خواهد گرفت (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۵۰)؛ البته دو نکته در مورد ارتباط تحقق ایمان واقعی با امنیت وجود دارد:

الف) ایمان واقعی با تعلیمات دینی محقق می‌شود؛ زیرا تعلیمات انبیا، نوعی امنیت و اطمینان خاطر به انسان می‌دهد (همان، ص ۳۵۹).

ب) در صورت تحقق ایمان واقعی، عقل‌ها کامل می‌شود؛ زیرا از نظر منطق دین، کسانی که ایمان به غیب دارند «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، خیال‌شان از این جهت که بشریت به کلی نیست و نابود بشود، راحت است؛ زیرا باورشان این است که هر چه در گذشته

بوده است، مقدمه‌ای بوده برای آن چه که در آینده پیش می‌آید؛ آینده‌ای پیش رو است که در آن به تعبیر اسلام عقل‌ها کامل می‌شود؛ زیرا خداوند متعال در آن دوره دست لطف خودش را بر سر بندگان می‌گذارد (حَتَّى كَمُلَتْ عُقُولُهُمْ) (همان، ص ۱۴۸) و بشر عقل خودش را باز می‌یابد و دیگر کارها و اعمال خلاف عقل را انجام نمی‌دهد و لذا امنیت به طور کامل برقرار می‌گردد (همان، ص ۱۴۹).

رفع تهدید مرتبط به حوزه گرایش‌های اخلاقی

با توجه به مطالب قبل، از دیگر شرایط علی استحکام امنیت فرهنگی، رفع تهدیدهای مرتبط به حوزه گرایش‌های اخلاقی می‌باشد.^۴ از منظر استاد شهید، یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیت فرهنگی، در حوزه گرایش‌های اخلاقی است.^۵ ایشان در این راستا معتقد است بشر با آن قدرت علمی و فنی که در مقابلش هیچ دژ تسخیرناپذیری وجود ندارد، اما نتوانست دژ روح و نفس آدمی را تسخیر کند. لذا ایشان خطرناک‌ترین دشمنان امنیت که خوشبختی و سعادت بشر در همین دژ پنهان شده و کمین کرده است، را تهدیدهای مرتبط به حوزه گرایش‌های اخلاقی می‌داند: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۱، ص ۲۷۱)^۶ و در مقابل، اطاعت از فرامین خدا و رسولش را موجب رفع تهدید در این حوزه می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال (۸): ۲۴). از این‌رو، ایشان معتقد است مهم‌ترین ناله دردمندانه بشر امروز پس از این همه موفقیت‌های علمی، در ناحیه خُلق و خوی «آدمیت» است. لذا تمام جنایت‌ها را در زیر پرده‌ای از تظاهر به انسانیت و اخلاق، نوع‌پرستی، آزادی‌خواهی و صلح‌دوستی انجام می‌دهد. صراحت و یکرویی جای خود را به دورویی و فاصله میان ظاهر و باطن داده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۲۵-۲۴). شهید مطهری معتقد است گرایش‌های صحیح متخذ از اخلاق دینی به زندگی این جهان سامان می‌بخشد و موجب رونق و صفا و امنیت و آسایش آن می‌گردد؛ چراکه ملاک‌های اخروی و آن‌جهانی وارد زندگی این جهانی می‌شود و آن‌چه مایه و پایه سعادت آن جهانی است، این است که

تعهدات و مسؤولیت‌های این جهانی خوب انجام شود و با ایمان و پاکی و طهارت و تقوا توأم باشد (همان، ص ۵۱۹).

استاد شهید، ریشه‌های تهدیدهای حوزه اخلاقی را در این نکته می‌داند که تاریخ همواره نشان داده است آزادی افراد به وسیله افراد دیگر تهدید شده است؛ همان‌طور که امنیت افراد نیز به وسیله افراد دیگر تهدید می‌شود. از این‌رو، ایشان قائل است تعلیم و تربیت صحیح افراد به وسیله افراد دیگر تهدید می‌شود و افرادی به جای تعلیم و تربیت صحیح، تعلیم و تربیت را به صورت ناصحیح و نامطلوبی در می‌آورند. بنابراین، اگر حوزه گرایش‌های اخلاقی انسان تهدید شود، امنیت محقق نمی‌شود؛ چرا که یکی از پایه‌های اصلی امنیت فرهنگی، تأمین امنیت آموزه‌های اخلاقی می‌باشد. از این‌رو، ایشان معتقدند امنیت نهایتاً باید ختم به «آزادی معنوی» شود؛ زیرا رشد و تکامل موجود زنده توأمان نیازمند شرایط تربیتی و امنیتی می‌باشد (مطهری، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۶).

رفع تهدید مرتبط به حوزه رفتارها

یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیت فرهنگی، در حوزه رفتارها می‌باشد. مراد از حوزه رفتارها، سطح ظاهری - فقهی و مادی است که از آن با عنوان حوزه رفتارها تعبیر می‌شود و متکفل این حوزه، احکام است (لک‌زایی، ۱۳۹۴، ش ۲۶، ص ۲۵). احکام؛ یعنی دستورهایی که مربوط به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان است؛ اعم از فعالیت‌های معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۵).

با توجه به این که در شریعت اسلام همه احکام و مسائل به طور جزئی و فردی بیان نشده است (زیرا امکان ندارد؛ چراکه جزئیات غیر متناهی است)، ولی کلیات اسلامی به نحوی تنظیم شده که جواب‌گوی جزئیات بی‌پایان و اوضاع مختلف مکانی و شرایط متغیر زمانی است (همان، ص ۵۷) و این که در فقه شیعه، اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد نفس‌الأمری و قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، مورد تأیید قرار گرفت و حق عقل در اجتهاد، محفوظ است (همان). از این‌رو، نظامات اجتماعی باید طوری باشد که در مقابل قانون، قوی و ضعیفی وجود نداشته باشد، لذا امام علی (ع) در برنامه

حکومت اسلامی می‌فرماید: «فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ» خدایا بندگان ستم‌دیده تو در امنیت قرار گیرند و چنگال ستم‌گر قطع شود (همان، ج ۲۴، ص ۱۱۴). بنابراین، از منظر استاد شهید، اگر حدود و احکام الهی در نظامات اجتماعی مورد تعرض قرار بگیرد، امنیت فرهنگی جامعه دست‌خوش تهدید شده است.

شرایط زمینه‌ای استحکام امنیت فرهنگی به وسیله حوزه‌های علمیه

شرایط زمینه‌ای، شرایط خاصی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ش ۲، ص ۸۴). از منظر استاد شهید، شرایط زمینه‌ای استحکام امنیت فرهنگی با تشکیل و سازماندهی گروه‌های ایده‌پرداز و گفتمان‌ساز محقق می‌شود که ذیلاً تبیین می‌شود:

تشکیل و سازماندهی گروه‌های ایده‌پرداز (گفتمان‌ساز) امنیت فرهنگی

شهید مطهری در این زمینه معتقد است ایده محوری گروه‌های گفتمان‌ساز می‌بایست تحت تأثیر وحی باشد؛ زیرا با توجه به مجموع استعدادهای فردی و اجتماعی و پیچیدگی روابط اجتماعی و مشخص نبودن نهایت سیر تکاملی انسان، آنچه فیلسوفان و متفکران اجتماعی به نام ایدئولوژی بافته‌اند، گمراهی و سرگستگی است. لذا برای انسان از نظر ایدئولوژی داشتن، یک راه بیش‌تر وجود ندارد و آن ایدئولوژی از طریق وحی است؛ چراکه اگر ایدئولوژی از طریق وحی نباشد، می‌توانیم بگوییم اصلاً انسان فاقد ایدئولوژی است؛ زیرا ارائه خطّ سیر آینده بشر به وسیله ایدئولوژی‌های بشری، تنها به صورت منزل به منزل است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۹۱).

دیگر ویژگی گروه‌های گفتمان‌ساز این است که واقعاً اسلام‌شناس باشند و با اهداف و فلسفه اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و معنوی اسلام کاملاً آشنا باشند؛ زیرا در جامعه‌ای که ماهیت اسلامی دارد و اهدافش همه اسلامی است، باید به وسیله افرادی راهبری شوند که به جهان‌بینی اسلام؛ یعنی بیش و نوع دید اسلام در باره هستی و خلقت و مبدأ و خالق هستی و جهت و ضرورت هستی و دید و بینش اسلام در باره

انسان و جامعه انسانی کاملاً آگاه باشند، ایدئولوژی اسلام را؛ یعنی طرح اسلام را در باره این که انسان چگونه باید باشد و چگونه باید زیست نماید و چگونه باید خود و جامعه خود را بسازد و چگونه به حرکت خود ادامه دهد و با چه چیزها باید نبرد کند و بستیزد و خلاصه چه راهی را انتخاب کند و چگونه برود و چگونه بسازد و ... درک نماید. بدیهی است افرادی می‌توانند عهده‌دار چنین رهبری بشوند که در متن فرهنگ اسلامی پرورش یافته باشند و با قرآن و سنت و فقه و معارف اسلامی آشنایی کامل داشته باشند (همان، ج ۲۴، ص ۷۳). بنابراین، می‌توان این نتیجه را گرفت که ایشان در زمان حاضر، روحانیت و دستگاه فرهنگی حوزه‌های علمیه را واجد شرایط فوق می‌داند که می‌تواند به عنوان ایده‌پرداز (گفتمان‌ساز) امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی نقش بی‌بدیلی داشته باشند؛ زیرا استاد شهید، حوزه‌های علمیه و محیط‌های روحانی را مسؤول پاسداری ایمان جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام از دیدگاه مذهب شیعه و تعلیم و تبلیغ آن‌ها و عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی مردم مسلمان می‌دانند (همان، ص ۲۷۹).

راهبردهای استحکام امنیت فرهنگی

راهبردها، کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی هستند که از پدیده‌محوری منتج می‌شوند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ش ۲، ص ۸۴). راهبردهای استحکام امنیت فرهنگی توسط حوزه‌های علمیه عبارتند از:

تحول در نقشه جامع حوزه‌های علمیه در حوزه امنیت فرهنگی

با توجه به این نکته که روحانیت و حوزه‌های علمیه مسؤول بنیادین و اصلی پاسدار ایمان جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام از دیدگاه مذهب شیعه و تعلیم و تبلیغ آن‌ها و عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی مردم مسلمان می‌باشند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۲۷۹)، از این رو، ضرورت تجدید نظر در برنامه‌های حوزه‌های علمیه حیاتی است. البته استاد شهید در این راستا معتقد است هرگونه تجدید

نظر و تحول در برنامه‌های حوزه‌های علمیه باید بر اساس فرهنگ غنی و قدیم اسلامی و تسریع در حرکت آن و آفت‌زدایی از آن فرهنگ باشد. زیرا این فرهنگ غنی که از جوهر حیاتی نیرومندی برخوردار است، اما متأسفانه در اثر غفلت پاسداران آن، قسمت‌های مهمی از آن به فراموشی سپرده شده و دچار زنگ‌زدگی شده و قسمت‌هایی از آن هم به نوعی دچار آفت‌ها شده که باید از نو احیا شود و از عناصری که فرهنگ‌های جدید به وجود آورده‌اند، تغذیه کند و مسیر رشد و توسعه و تکامل خود را طی نماید. ایشان معتقدند حوزه‌های علمیه می‌بایست از محدودیت‌های مصنوعی که خود برای خود به وجود آورده‌اند، خارج گردند و با استفاده از پیشرفت علوم انسانی جدید، به احیای فرهنگ کهن خود و آراستن و پیراستن آن بپردازند و آن را تکمیل نمایند و به پیش سوق دهند و کالاهای فرهنگی خود را در زمینه‌های مختلف معنوی، فلسفی، اخلاقی، حقوقی، روانی، اجتماعی، تاریخی با کمال افتخار و سربلندی به جهان دانش عرضه نمایند. بدیهی است انجام چنین رسالت مقدسی نیازمند به شوراها و طرح‌های متعدد، هر کدام برای مدت معین است (همان، ص ۲۸۲-۲۸۱). در این مسیر ایشان وظایف حوزه‌های علمیه را در دو بخش وظایف اصلی و وظایف فعلی تبیین می‌کنند. منظور از وظایف اصلی مجموع اموری است که ایده‌آل و کمال مطلوب در حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند، که اگر این حوزه‌ها در صدد بر آمدند و امکانش را تحصیل کردند، همه آن‌ها را باید انجام دهند (همان، ص ۲۸۵-۲۸۲) و منظور از وظایف فعلی، مجموع کارهایی است که در حال حاضر شروع به آن‌ها در توان مدرسین فعلی حوزه‌های علمیه است. بدیهی است هر اندازه بر امکانات حوزه‌ها، تدریجاً افزوده شود، قسمت‌هایی از وظایف اصلی جزء وظایف فعلی قرار می‌گیرد (همان).

در مجموع می‌توان این نتیجه را گرفت که از منظر ایشان، ایجاد تحول در وظایف حوزه‌های علمیه در دو بخش وظایف اصلی و وظایف فعلی، نهایتاً منجر به تحقق امنیت فرهنگی می‌شود؛ زیرا آن‌ها مسئول بنیادین و اصلی پاسدار ایمان جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام و عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای مذهبی مردم مسلمان می‌باشند (همان، ص ۲۷۹). از سوی دیگر، با توجه به این که شرط اصلی

استحکام امنیت فرهنگی، در صورت رفع تهدیدهای مرتبط به حوزه باورها، حوزه گرایش‌های اخلاقی و حوزه رفتارها می‌باشد (لک‌زایی، ۱۳۹۳، ش ۲، ص ۱۶). لذا هر چه به شکل‌گیری استحکام امنیت فرهنگی نزدیک شویم، میزان رفع تهدیدهای حوزه باورها، حوزه گرایش‌های اخلاقی و حوزه رفتارها کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، افزایش توانمندی در حوزه‌های سه گانه مذکور، تأثیر مثبت و معناداری بر اثربخشی استحکام فرهنگی دارد. از این رو، می‌توان گفت در منظومه فکری ایشان، تحول در نقشه جامع حوزه‌ها در صورت ایجاد تحول در بخش‌های معرفتی، اخلاقی و فقهی می‌باشد که ذیلاً تبیین می‌شود:

تحول معرفتی و اعتقادی

ایجاد تحول در شناخت و ایمان به منابع اعتقادی مساوی با استحکام، یکی از پایه‌های امنیت فرهنگی می‌باشد. از مهم‌ترین وظایفی که حوزه‌های علمیه در جامعه اسلامی می‌بایست جهت تقویت امنیت فرهنگی ایجاد کنند، تحول در شناخت و سپس ایمان به منابع اعتقادی دین اسلام است که اهم آن ایمان به وحدانیت خدا، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی، پیغمبران و روز قیامت می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۸). زیرا اعتقاد و ایمان به خدا از مفیدترین و لازم‌ترین معتقدات بشر در زندگی است؛ چون اعتقاد و ایمان به خدا از نظر فردی آرامش‌دهنده روح و روان و پشتوانه فضایل می‌باشد (همان، ج ۶، ص ۹۱۰).

تحول معنوی

تحول معنوی به سوی مبدأ مطلق مساوی با استحکام دیگر پایه امنیت فرهنگی است. از مهم‌ترین وظایفی که حوزه‌های علمیه در جامعه اسلامی می‌بایست جهت تقویت امنیت فرهنگی ایجاد کنند، تلاش در جهت بیداری و برانگیختگی درونی جامعه به سوی مبدأ مطلق جهت نیل به بالاترین درک وجدانی وجودی از توحید در بستر حرکت به سمت اهداف عالی اسلام است (همان، ج ۲، ص ۱۷۰).

تحول فقهی

تحول فقهی مساوی با استحکام، دیگر پایه امنیت فرهنگی می‌باشد. از مهم‌ترین وظایفی که حوزه‌های علمیه در جامعه اسلامی می‌بایست جهت تقویت امنیت فرهنگی ایجاد کنند، تحول فقهی می‌باشد. حوزه‌های علمیه با استفاده از ظرفیت‌های فقه، در برآورده کردن نیازهای جامعه بر اساس عمل به احکام شرعی فرعی از ادله اربعه؛ یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل (که همان منابع فقهی است) (همان، ج ۲۰، ص ۲۹)، می‌توانند با توجه به نیازهای ثابت و متغیر بشر، همه نیازهای جامعه را در همه زمان‌ها پوشش دهند؛ زیرا در میان مکتب‌ها و مسلک‌ها و آیین‌ها و دین‌ها، تنها اسلام است که به نیازهای انسان پاسخ صحیح می‌دهد (مطهری، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۰۷).

پیامدهای استحکام امنیت فرهنگی

پیامدها، خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها می‌باشد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ش ۲، ص ۸۴). در صورت استحکام امنیت فرهنگی، پیامدهای مثبتی مترتب می‌شود که ذیلاً تبیین می‌شود:

پیاده‌شدن عملی دین در اداره زندگی کلان

از پیامدهای استحکام امنیت فرهنگی، تحقق عملی احکام دینی (نه صرفاً مرحله باور) در اداره زندگی کلان جامعه می‌باشد. چراکه از منظر استاد شهید، تفقه در دین که مورد عنایت اسلام است، شامل همه شؤون اسلامی است؛ اعم از اصول اعتقادات اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، اخلاقیات، تربیت اسلامی، اجتماعیات اسلامی، عبادات اسلامی، مقررات مدنی اسلامی، آداب خاص اسلامی در زندگی فردی و یا اجتماعی و غیره (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۲۶). بر اساس این تفسیر، فقه از ضروری‌ترین نیازهای جامعه اسلامی و از ظریف‌ترین و پربارترین شاخه‌های معرفت به شمار می‌رود و عنصری جدانشدنی از اسلام است. در راستای این نکته استاد شهید، تحولی که در انقلاب اسلامی و با هدایت امام راحل علیه‌السلام در فقه به وجود آمد، به این صورت بود که وظیفه، مسؤولیت و رسالت فقه محدود به مسائل

شخصی و عبادی، احوال شخصی، مسأله نماز و روزه، وظایف مالی، ازدواج و طلاق نمی‌باشد، بلکه تحقق عملی جامعیت دین در نظام‌سازی، تمدن‌سازی، جامعه‌سازی و انسان‌سازی و مانند این موارد است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

حرکت به سوی انسان کامل

از مهم‌ترین پیامد استحکام امنیت فرهنگی توسط حوزه‌های علمیه این است که انسان در مسیر عبودیت به مرتبه و مقام ابرار و سپس مقربین می‌رسد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۱۰۲-۱۰۱) که در منظومه استاد شهید، به «انسان کامل» تعبیر می‌شود. ذیلاً ویژگی‌های ابرار و مقربین را بیان می‌کنیم:

(الف) ابرار؛ اصحاب یمین؛ یعنی یاران دست راست یا یاران راست. این افراد متوسطین اهل سعادت هستند (نسبت به مقربین و فجار) (همان، ج ۴، ص ۵۵۷). آنچه از قرآن در مورد این افراد فهمیده می‌شود این است که وضع آن‌ها هم خیلی خوب است. لذا می‌فرماید: «فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ»؛ درود از برای تو از ناحیه اصحاب یمین (همان). قرآن اصحاب یمین را مقربان نمی‌نامد. شاید بر آن‌ها همان تعبیر «ابرار» صدق می‌کند؛ یعنی نیکان، ولی آن‌ها را مقربین نمی‌نامد که تقریباً؛ یعنی باریافتگان، نزدیک‌شدگان؛ آن‌هایی که به مقام الوهیت نزدیکند، خود را نزدیک کرده‌اند، به مقام قرب رسیده‌اند (همان، ج ۲۷، ص ۱۰۲-۱۰۱). این‌گونه افراد که قرآن به آن‌ها بشارت رحمت داده است، از متوسطین هستند که همیشه در جوامع از حیث کمیت غلبه دارند (همان، ج ۴، ص ۶۰۴). از منظر شهید مطهری، این افراد از سعادتمندان هستند، ولی به درجه و مرتبه مقربین نمی‌رسند (همان، ج ۲۷، ص ۹۲).

(ب) مقربین؛ این دسته از انسان‌ها از حیث مرتبه در عبودیت، ما فوق اصحاب شمال (مکذبین) و اصحاب یمین هستند، نه یاران راستند و نه یاران چپ (همان، ص ۱۰۲). مقربین از نظر قرآن آن‌هایی هستند که گوی سعادت را به حد اعلیٰ ربوده‌اند. لذا مقربین در رَوْح و ریحان و در یک راحت و آسایشی و در جنت پر از نعمتی هستند (همان، ج ۴، ص ۵۵۷). ویژه‌گی بارز مقربین این است که کتاب و نوشته ابرار را شهود و معاینه می‌کنند:

«يَشْهَدُ الْمُقَرَّبُونَ»، از این جا فهمیده می‌شود که مقربین مقام بالاتری از ابرار دارند (همان، ج ۲۸، ص ۴۵۱). لذا در آخرت حسابرسی ندارند (همان، ص ۴۶۶). چراکه فقط و فقط آن‌ها از تسنیم (چشمه و آبی است که از «رحیق» خیلی بالاتر و برتر و به تعبیری چشمه معنویت است) معنویت می‌نوشند، لذا اختلاف مقربین و ابرار روشن است (همان، ص ۴۵۳).

نتیجه‌گیری

جهت بررسی نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه شهید مطهری، این سؤال در قالب تحلیل سیستمی مطرح شد که شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و راهبردهای استفاده از نقش حوزه‌های علمیه در تحقق امنیت فرهنگی چیست و سپس پیامدهای تحقق امنیت فرهنگی به وسیله حوزه‌های علمیه چه مواردی می‌باشد؟ بر این اساس، نتایج ذیل حاصل شد:

جهت بررسی مؤلفه‌های استحکام امنیت فرهنگی، ابتدا از منظر شهید مطهری شقوق و مشتقات امنیت تبیین شد که عبارتند از: امنیت عمومی، امنیت سیاسی و امنیت فرهنگی. از سوی دیگر، شهید مطهری معتقد است اساس آموزه‌ها و فرهنگ اسلامی در سه بخش ذیل خلاصه می‌شود: الف) اصول عقاید و شناخت؛ ب) اخلاق و پ) احکام. در منظومه فکری ایشان، شقوق مختلف امنیت، مؤلفه‌هایی دارد که عبارتند از: نسبی بودن مؤلفه‌های امنیت، امنیت درونی و بیرونی و باور به موقتی بودن ناامنی. پژوهش حاضر با بهره‌گرفتن از روش تحلیل سیستمی به عنوان چارچوب نظری، از منظر شهید مطهری مؤلفه‌های نقش حوزه‌های علمیه در استحکام امنیت فرهنگی به عنوان یک مجموعه‌ای که از اجزا و مؤلفه‌های مختلف تشکیل شده است را تحلیل نمود. بر این اساس، شرایط علی مؤلفه‌های نقش حوزه‌های علمیه در استحکام امنیت فرهنگی به این صورت است که با توجه به این که شهید مطهری معتقد است مقررات اسلامی در سه بخش اعتقادی، اخلاقی و فقهی خلاصه می‌شود، بنابراین، شرایط علی نقش حوزه‌های علمیه در استحکام امنیت فرهنگی در صورت رفع تهدیدها در حوزه‌های باورها، حوزه گرایش‌های اخلاقی و حوزه رفتارها محقق می‌شود. شرایط زمینه‌ای نقش حوزه‌های علمیه در

استحکام امنیت فرهنگی با تشکیل و سازماندهی گروه‌های ایده‌پرداز (گفتمان‌ساز) امنیت فرهنگی می‌باشند که ایشان در زمان حاضر، روحانیت و دستگاه فرهنگی حوزه‌های علمیه را واجد شرایط فوق می‌داند که می‌توانند به عنوان ایده‌پرداز امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی، نقش بی بدیلی داشته باشند. راهبردهای نقش حوزه‌های علمیه در استحکام امنیت فرهنگی عبارتند از: تحول در نقشه جامع حوزه‌های علمیه در حوزه امنیت فرهنگی و در صورت تأثیر مثبت نقش حوزه‌های علمیه در استحکام امنیت فرهنگی، پیامدهای مثبتی؛ مثل تحقق عملی جامعیت دین و حرکت به سوی انسان کامل را در پی دارد.

یادداشت‌ها

۱. در این پژوهش مراد از حوزه‌های علمیه در نگاه شهید مطهری از حیث مکانی، مطلق حوزه‌های ایران و خارج از ایران همانند حوزه نجف و کربلا است و هم‌چنین از حیث جنسیتی، مطلق حوزه‌های برادران و خواهران می‌باشد.
۲. لازم به ذکر است در مقاله علمی - پژوهشی با عنوان «مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی (ع)»، نویسنده امنیت را در سطوح ذیل تقسیم‌بندی نمود: ۱. سطح قلبی - اعتقادی، فلسفی و کلامی که از آن با عنوان حوزه باورها تعبیر نمود؛ ۲. سطح قلبی - اخلاقی که از آن «با عنوان حوزه گرایش‌ها تعبیر نمود و ۳. سطح ظاهری - فقهی و مادی که از آن با عنوان حوزه رفتارها تعبیر نمود (نجف لک‌زایی، فصلنامه آفاق/امنیت، ش ۲۶، ص ۲۵).
۳. گرچه این مقدمه نظر شهید مطهری نیست، اما به عنوان یک کبرای کلی و با توجه به سه بخش دین (اعتقادات، اخلاق و احکام) و با توجه به تعریف امنیت فرهنگی، می‌توان نتیجه گرفت تهدیدهای حوزه امنیت فرهنگی در حوزه باورها، حوزه گرایش‌های اخلاقی و حوزه رفتارها می‌باشد.
۴. مراد از حوزه گرایش‌های اخلاقی، سطح قلبی و اخلاقی انسان است که با عنوان حوزه گرایش‌های اخلاقی یاد می‌شود (همان).
۵. در این‌که ارتباط اخلاق با گرایش از حیث منطقی چیست، باید گفت گرایش به هنجارهای اخلاقی که نشان‌گر هدف و نیت افراد در عمل به اصول اخلاقی است، گفته می‌شود (ذبیح‌الله بهرامی و دیگران، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، ص ۱۳۵).
۶. بزرگ‌ترین دشمنان تو همان نفس توست که میان دو پهلوی توست.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت، اصول و روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبانی: روش‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴.
۲. اربطیان، حسن، «تحوّلات ساختاری و معرفتی در حوزه‌های علمیه» فصلنامه معرفت، ش ۱۰۳، ۱۳۸۵.
۳. الویری، محسن، «چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن»، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ش ۱، ۱۳۹۱.
۴. بهرامی، ذبیح‌الله؛ بوستانی‌پور، علیرضا و بوستانی، معصومه، «میزان گرایش دانشجویان به هنجارهای اخلاقی»، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، ش ۱، ۱۳۹۷.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۹۹/۳/۱۴.
۶. دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲، ۱۳۸۶.
۷. فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، قم: مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۲.
۸. کوش، دنی، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش، ۱۳۹۷.
۹. لک‌زایی، نجف، «راه‌های تحصیل امنیت در اندیشه استاد مطهری» فصلنامه تخصصی دین و قانون، ش ۱۶، ۱۳۹۶.
۱۰. لک‌زایی، نجف، «امنیت متعالیه»، فصلنامه سیاست متعالیه، ش ۵، ۱۳۹۳.
۱۱. لک‌زایی، نجف، «روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۳(۱)، ۱۳۸۹.
۱۲. لک‌زایی، نجف، «مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۲۶، ۱۳۹۴.
۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، ج ۱۱۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.

۱۴. مرتضوی شاهرودی، سید محمود؛ ساجدی، ابوالفضل و مصباح، علی، «بررسی و نقد مبانی هرمنوتیکی پل ریکور»، **کلام اسلامی**، ش ۱۰۵، ۱۳۹۷.
۱۵. مزینانی، احمد، «مرجع شناسی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی**، ش ۱۰، ۱۳۹۳.
۱۶. مطلبی، مسعود و حیدری، عباس، «آینده‌پژوهی امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران؛ با تاکید بر منظومه فکری آیه‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، ش ۴۴، ۱۳۹۸.
۱۷. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد مطهری**، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸ و ۳۰، تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
۱۸. مطهری، مرتضی، **یادداشت‌های استاد مطهری**، ج ۱، ۱۰ و ۱۳، قم: صدرا، چ ۸، بی‌تا.
۱۹. میرعرب، مهرداد و سجادی، سید عبدالقیوم، «نیم نگاهی به مفهوم امنیت»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ش ۹، ۱۳۷۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی